

مصنفات شیخ اشراق

تألیف: شیخ اشراق شهاب الدین سهروردی



انتشارات تک تاج

www.ketab.ir

سرشناسه	:	سهروردی، یحیی بن حبش، ۵۴۹-۵۸۷ق.
عنوان و نام پدیدآور	:	مصنفات شیخ اشراق / تألیف شهاب الدین سهروردی.
مشخصات نشر	:	تهران: بک-تاج، ۱۳۹۳.
مشخصات ظاهری	:	۱۱۶ ص.
شابک	:	۸۰۰۰ ریال ۳-۳۷-۷۴۶۴-۶۰۰-۹۷۸۰۰۶۰۰
وضعیت فهرست نویسی	:	فبا
موضوع	:	سهروردی، یحیی بن حبش، ۵۴۹-۵۸۷ق. --- کتابشناسی
رده بندی کنگره	:	۱۳۹۳ عم/ Z۸۳۸۷
رده بندی دیویی	:	۰۱۶/۱۸۹
شماره کتابشناسی ملی	:	۳۵۴۱۲۲۵

☐ مصنفات شیخ اشراق

☐ تألیف: شیخ اشراق شهاب الدین سهروردی

☐ چاپ اول ۱۳۹۳

☐ قطع و تعداد صفحات: ۱۱۶ صفحه رقعی

☐ شمارگان: ۵۰۰ نسخه

☐ بها: ۹۰۰۰ تومان

☐ شابک: ۶۰۰-۷۴۶۴-۳۷-۳-۹۷۸

☐ آدرس: خیابان امام خمینی بین جیحون و کارین، پلاک ۱۸۷، طبقه دوم



انتشارات تک تاج

٥	مقدمه ناشر
١٣	عقل سر
٢٧	آوازیب جبرئیل
٤١	صفیر سیمرغ
٥١	فی حالة الطفولية
٦٧	مونس العشاق یا فی حقیقة العشق
٨٩	لغت موران
١٥٥	روزی با جماعت صوفیان

مقدمه ناشر

شیخ شهاب الدین اصفهانی سهروردی، معروف به «شیخ اشراق»، شهاب مقتول و مخمول «مؤسس حکمت اشراق» و از حکمای بزرگ اسلام در قرن ۶ (ه. ق) است. وی در دهکده سهرورد از توابع زنجان به دنیا آمد. شیخ اشراق حکمت و اصول فقه را در مراغه نزد مجدالدین جیلی، که استاد امانت‌آراز نیز بود، فرا گرفت و در حکمت تبحر و احاطه تمام یافت سپس به تدریس و تالیف پرداخت، و چند سالی را در عراق و شام به سیاحت و مطالعه گذراند. چنانکه مشهور است در علوم غریبه نیز تبحر بهم رسانید.

سهروردی پس از تکمیل تحصیلات به اصفهان رفت تا نزد ظهیرالدین فارسی، علم منطق را بیاموزد. او در همین شهر بود که برای نخستین بار با افکار ابن سینا روبرو شد و پس از مدتی تسلط خاصی بر آن پیدا کرد.

سهروردی پس از پایان تحصیلات رسمی، به سفر کردن در داخل ایران پرداخت و از بسیاری از مشایخ تصوف دیدن کرد و بسیار مجذوب آنان شد. در واقع در همین دوره بود که به راه تصوف اقتاد و دوره‌های درازی را به اعتکاف و عبادت و تامل گذراند. سفرهای وی رفته رفته گسترده‌تر شد و به آناتولی و شامات نیز رسید و در این سفر، مناظر شام «سوریه» او را بسیار مجذوب خود نمود.

در یکی از سفرها از دمشق به حلب رفت و در آنجا با "ملک ظاهر" یا "صلاح الدین ایوبی" (سردار معروف مسلمانان در جنگ‌های صلیبی) ملاقات کرد. ملک ظاهر که محبت شدیدی نسبت به صوفیان و دانشمندان داشت، مجذوب این حکیم جوان شد و از وی خواست که در دربار وی در حبس ماندگار شود. سهروردی که عشق شدیدی نسبت به مناظر آن دیار داشت، شام ماند و پیشنهاد ملک ظاهر را پذیرفت و در دربار او ماند.

اما سخن گفتن‌های بی‌پرده وی احتیاط بودن وی در بیان معتقدات باطنی در برابر همگان، و زیرکی و هوشمندی فراوان وی که سبب آن می‌شد که با هر کس بحث کند، بر وی پیروز شود و نیز استادی وی در فلسفه و تصوف، از عواملی بود که دشمنان فراوانی مخصوصاً از میان علمای قشری برای سهروردی فراهم آورد.

عاقبت به دستاویز آن که وی سخنانی برخلاف اصول دین می‌گوید، از ملک ظاهر خواستند که او را به قتل برساند، و چون وی از اجابت خواسته آن‌ها خودداری کرد، به صلاح الدین ایوبی شکایت بردند.

صلاح الدین که به تازگی سوریه را از دست صلیبیون بیرون آورده بود و برای حفظ اعتبار خود به تأیید علمای دین احتیاج داشت، ناچار در برابر درخواست ایشان تسلیم شد.

به همین دلیل، پسرش ملک ظاهر تحت فشار قرار گرفت و ناگزیر سهروردی را در سال ۵۸۷ هجری قمری به زندان افکند و شیخ همان سال دیار رفت. وی در هنگام مرگ، ۳۸ سال داشت. علت مستقیم وفات وی معلوم نیست. (البته مشهور آن است که سهروردی به دلیل گرسنگی زندان رفت) مشهور است که او را به دار آویختند یا خفه کردند. جنازه‌ی شیخ را در روز جمعه آخر ذی الحجه سال ۵۸۷ هـ. ق از زندان بیرون آوردند. حرم او با نسبت باشرایع دینی بود. بدین ترتیب سهروردی نیز سرانجامی هم چون ابراهیم یافت.

تألیفات شیخ اشراق:

آثار وی از چند نوع است و می‌توان آن‌ها را به پنج دسته تقسیم کرد:

۱- چهار کتاب بزرگ تعلیمی و نظری که همه به زبان عربی هستند.

در این کتاب‌ها ابتدا فلسفه مشائی به آن صورت که توسط سهروردی

تفسیر شده و تغییر شکل یافته، بحث می‌شود و سپس بر پایه همین

فلسفه، حکمت اشراقی مورد تحقیق قرار می‌گیرد.

این چهار کتاب عبارتند از:

تلویحات، مقامات، مطارحات - که در هر سه از تغییراتی که

به فلسفه ارسطویی داده شده بحث می‌شود - و بالاخره شاهکار

سهروردی، "حکمة الاشراق" که مختص به بیان عقاید اشراقی وی است.

۲- رساله های کوتاه تری به فارسی و عربی که در آنها محتویات چهار کتاب مذکور به زبانی ساده تر به صورت خلاصه توضیح داده شده است. از آن جمله می توان به این کتب و رسائل اشاره کرد:

هیاکل النور، الالواح العماریه (که هر دو هم به عربی و هم به فارسی گشته شده) پرتو نامه، فی اعتقاد الحكماء، اللمحات، یزدان شناخت و بیان القلوب (دو کتاب اخیر را به "عین القضاة همدانی" و "سید شریف حسینی" نیز نسبت داده اند، ولی احتمال بیشتر آن است که از خود سهروردی باشد).

۳- حکایت های مزی یا داستان هایی که در آنها از سفر نفس در مراتب وجود و رسیدن به رستگاری و اشراق سخن رفته است. این رساله ها به فارسی است؛ برخی بعضی از آن ها ترجمه عربی نیز دارد. مانند:

عقل سرخ، آواز پر جبرئیل، الغرب الغریب، لغت موران، رساله فی حالة الطفولیه، روزی با جماعت صوفیان رساله فی المعراج و صفیر سیمرغ.

۴- تحریرها و ترجمه ها و شرح ها و تفسیرها و کتب کتابهای فلسفی قدیمی تر و نیز بر قرآن کریم و برخی احادیث نوشته شده است. مانند:

ترجمه فارسی رساله الطیر ابن سینا، شرحی بر اشارات او، تالیف

رسالة في حقيقة العشق که مبتنی بر "رسالة في العشق" ابن سیناست و تفسیرهایی بر چند سوره از قرآن و بعضی از احادیث.

۵- دعاها و مناجات نامه هایی به زبان عربی که سهروردی آنها را "الواردات و التقديسات" نامیده است.

این مجموعه از آثار و تالیفات شیخ شهاب الدین سهروردی و شرحهایی که بر آنها نوشته شده است، منبع اطلاع ما از عقاید مکتب اشراقی است.

گنجینه‌ای از حکمت که در آن رموزی از میراث‌های متعدد زرتشتی و فیثاغورسی و افلاطونی و هرمنسی، به رموز و تمثیلات اسلامی ذکر شده است.

در حقیقت سهروردی از مباح مختلف کسب فیض می کرده است، و هیچ در این باره تردید نمی کرده که هر چه مناسب و متناسب با نظر کلی خویش بیابد؛ از هر جا که باشد، بپذیرد و در نظر خویش وارد کند.

فلسفه اشراق

سهروردی کسی است که مکتب فلسفی اشراق را بوجود آورد که بعد از مرگش وسعت یافت. او نظریه خود را در اواخر قرن ششم و اوایل قرن هفتم ارائه کرد. سهروردی را رهبر افلاطونیان جهان اسلام لقب داده‌اند. او خود فلسفه اش را حکمت اشراق نامیده بود که به معنای درخشندگی و برآمدن آفتاب است و اقوام لاتین آن را aurora conurgens نام نهاده‌اند.

اما این تفکر فلسفه خاص افلاطونی نیست و در آن آرای افلاطون

و ارسطو و نوافلاطونیان و زرتشت و هرمس و اسطوره تحوت و آرای نخستین صوفیان مسلمان در هم آمیخته است.

مکتب سهروردی هم فلسفه هست و هم نیست. فلسفه است از این جهت که به عقل اعتقاد دارد، اما عقل را تنها مرجع شناخت نمی داند. عرفان است از این نظر که کشف و شهود و اشراق را شریف ترین و بلند مرتبه ترین مرحله شناخت می شناسد. او به سختی بر این سینا می نهد و ان کلیات و مثل افلاطون دفاع می کند.

بر وجودشناسی ابن سینا ایراد می گیرد که چرا اظهار داشته که در هر شیء موجودی وجود امری حقیقی است و ماهیت امری اعتباری، و برای تحقق محتاج وجود است. در حالی که طبق حکمت اشراق، ماهیت امری حقیقی است و وجود امری اعتباری.

نور الانوار

سهروردی وجودشناسی خود را «نور الانوار» نام داده است. همان حقیقت الهی که درجه روشنی آن چشم را کور می کند. نور را نمی توان با کمک چیز دیگر و نسبت به آن تعریف کرد زیرا تمام اشیا با نور آشکار می شوند و طبعاً باید با نور تعریف شوند. «نور الانوار» یا «نور مطلق» همان وجود مطلق است و تمام موجودات موجود خود را از این منبع کسب کرده اند و جهان هستی چیزی جز مراتب درجات گوناگون روشنائی و تاریکی نیست.

به همین دلیل سلسله مراتب موجودات بستگی به درجه نزدیکی آن ها با «نور الانوار» دارد، یعنی به میزان درجه «اشراق» و نوری که از

نورالانوار به آن ها می رسد.

در کتابی که پیش رو دارید تعدادی از رساله های فارسی ایشان جمع آوری شده اند. در این کتاب خواهید خواند از:

- عقل سرخ
- وازیر جبرئیل
- صغیر سیمرغ
- فی حال الطمان
- مونس الحلق بافی حقیقة العشق
- لغت موران
- روزی با جماعت مومنان

www.ketaboo.ir